چراغ نفتی مدرسه در زهک بار دیگر حادثه آفرید

دانش‌آموز پایه ششم مدرسه حجت «روستای پلگی سید» از توابع شهرستان زهک در حال ریختن نفت درون بخاری بود که ناگهان چراغ آتش گرفت و دچار سوختگی شد.مدیر اداره اطلاع‌رسانی و روابط عمومی آموزش و پرورش سیستان‌وبلوچستان در خصوص حادثه آتش‌سوزی دبستان حجت پلگی شهرستان زهک به ایسنا گفت:«با عنایت به بخشنامه‌های ابلاغی به مدارس و حساسیت‌ها و آموزش‌ها و توصیه‌هایی که در این ایام به مدیران مدارس در سطح استان ارایه شده است، به علت سهل‌انگاری، مدیر مدرسه یاد شده لغو ابلاغ و پرونده وی به هیأت تخلفات اداری برای رسیدگی ارسال شد.»وی افزود:«در بحث درمان علی تو تازهی دانش‌آموز پایه ششم دبستان حجت پلگی، براساس نظریه پزشکش دچار سوختگی سطحی شده و از سوی آموزش و پرورش شهرستان زهک در حال پیگیری برای درمان است.»

گفت‌وگوی «شهروند» با پدر ستایش قریشی یک‌سال پس از اعدام قاتل

از اجرای حکم پشیمان نیستم

تولد «نیایش» مادر «ستایش» را آرام‌تر کرد

هنوز خبر مرگ ستایش را به برادرش نداده‌ایم!

نیایش عضو جدید خانواده قریشی

شهروند|۲۱ ماه از قتل ستایش ٦ ساله در ورامین می‌گذرد. دختربچه‌ای که ماجرای کشته شدنش، دل تمام مردم را درد آورد. پسر ۱۷ ساله همسایه، بعد از این‌که ستایش را مورد تجاوز قرار داد، او را به قتل رساند و جسدش را هم در ظرف اسید سوزاند. یک‌سال پیش درست در همین روزها بود که امیر پای چوبه‌دار رفت و اعدام شد. پسری که در تمام جلسات بازجویی و دادگاهی‌اش سیاه مستی را انگیزه خود از این جنایت اعلام کرده و گفته بود لحظه حادثه کنترلی بر رفتار خود نداشته است.

با اعدام امیر بود که جنجال این پرونده هم به پایان رسید و تقریبا صحبت‌ها و حاشیه‌ها درباره این قتل هولناک تمام شد. حالا با گذشت یک‌سال از اعدام امیر و بسته شدن این پرونده، به سراغ خانواده قریشی رفتیم و وضع زندگی‌شان را بعد از تمام شدن پرونده بررسی کردیم. پدر ستایش در این‌باره توضیحاتی به خبرنگار «شهروند» ارایه کرد:

•••

• حالا که تمام صحبت‌ها درباره پرونده قتل دخترتان به پایان رسیده و قاتل هم اعدام شده، وضع روحی خانواده‌تان چطور است؟

نسبت به قبل خیلی بهتریم. اما هنوز هم یاد ستایش را زنده نگه داشته‌ایم. سعی کرده‌ایم با جای خالی‌اش کنار بیاییم، ولی هنوز هم خوابش را می‌بینیم. هنوز هم در خواب دخترکم می‌خندد و من چقدر خوشحال می‌شوم، اما وقتی چشمانم را باز می‌کنم غم در دلم سنگینی می‌کند و دلم برای دخترم پر می‌کشد. از همه ما بیشتر برادر کوچکتر ستایش بی‌تابی می‌کند. او الان ٦ سال دارد. هنوز برایش توضیح نداده‌ایم که چه اتفاقی برای ستایش افتاده و هربار سراغ خواهرش را می‌گیرد به او می‌گوییم ستایش را به افغانستان فرستاده‌ایم. مرتب می‌نشیند و فیلم‌هایی که چند روز پیش از قتل ستایش با هم گرفته بودند را می‌بیند و اشک می‌ریزد. ما هم پا به پای او گریه می‌کنیم.

• هنوز در همان خانه زندگی می‌کنید؟

نه. به تهران نقل مکان کرده‌ایم. آن خانه ما را به یاد ستایش می‌انداخت. از طرفی با خانواده امیر هم روبه‌رو می‌شدیم و دوست نداشتیم چشممان به هم بیفتد. برای همین به تهران آمده‌ایم.

• یک‌سال از اعدام قاتل دخترتان گذشته، از این‌که رضایت ندادید پشیمان‌نیستید؟

نه. آن زمان هم قصدمان انتقام‌گیری نبود. اما این پسر کاری با دخترم کرده بود که به هیچ وجه نمی‌توانستیم رضایت بدهیم. از طرفی دل مردم هم به درد آمده بود و مسیر پرونده طوری طی شد که جای بخشش وجود نداشت.

• اگر حکم هنوز هم اجرا نشده بود، باز هم اصرار به اجرای آن داشتید؟

بله. اگر چندسال دیگر هم طول می‌کشید باز هم رضایت نمی‌دادیم. من یک پدرم و همسرم هم یک مادر. خیلی سخت است که جگرگوشه آدم را این چنین با آزار و اذیت به قتل برسانند و بعد مسببش را ببخشیم. نمی‌توانستیم با دلمان کنار بیاییم.

> قصدمان انتقام‌گیری نبود. اما این پسر کاری با دخترم کرده بود که به هیچ وجه نمی‌توانستیم رضایت بدهیم. از طرفی دل مردم هم به درد آمده بود و مسیر پرونده طوری طی شد که جای بخشش وجود نداشت

• در این مدت دیگر خانواده امیر را ندیدید؟

نه. ما دو ماه بعد از اعدام قاتل به تهران آمدیم و هیچ‌وقت آنها را ندیدیم.

• مادر ستایش حالش چطور است؟

بهتر است. از وقتی دختر کوچکمان به دنیا آمده سرگرم او شده و کمتر گریه می‌کند. اما هیچگاه ستایش را از یاد نمی‌برد و هنوز هم هر جمعه سر مزارش می‌رود. حتی اگرهزار کار هم داشته باشد همه چیز را رها می‌کند و به سراغ ستایش می‌رود. با دخترمان صحبت می‌کند و حالش کمی بهتر می‌شود. اما وقت‌هایی که خواب ستایش را می‌بینند حالش خوب نیست و آن روز فقط گریه می‌کند.

• دخترتان کی به دنیا آمد؟

۱۸ بهمن‌سال گذشته بود که دختر کوچکمان نیایش به دنیا آمد. او خودش را در دل ما جا کرده ولی با این حال باعث نشده که ستایش را فراموش کنیم.

• دوست نداشتید که اسم دخترتان را ستایش بگذارید؟

اول به این موضوع فکر کردیم، ولی دیدیم که سخت می‌شود که در خانه یکی دیگر را به اسم ستایش صدا بزنیم. ما وقتی می‌گوییم ستایش دوست داریم که خود ستایش جوابمان را بدهد، اما این موضوع آزارمان می‌داد. نمی‌خواستیم اسم ستایش را از او بگیریم و جایش را با دیگری عوض کنیم. ما پدر و مادریم و هر کدام از بچه‌هایمان جای خودشان را در دلمان دارد. ستایش هم با این‌که دیگر نیست اما جایش در دلمان محفوظ است. هیچ‌کس نمی‌تواند جای او را برای ما بگیرد.

• وقتی به تهران آمدید شغلتان را هم تغییر دادید؟

نه. من چاه‌کن هستم و در همان ورامین کار می‌کنم. صبح‌ها به ورامین و سرکار می‌روم و شب هم به تهران می‌آیم. با این‌که رفت و آمد سخت شده ولی لازم بود که محل زندگیمان را عوض کنیم.

واکنش آموزش و پرورش همدان به گزارش پایان مرگبار یک نیش مرموز

دلیل جان باختن رژینا هنوز معلوم نیست!

پرسش شهروند اما همچنان پا برجاست که آیا یک مدیر باید جز آسیب دیدگی دانش‌آموزان را به خانواده‌اش بدهد یا خیر؟

پیرو درج مطلبی با عنوان «پایان مرگبار یک نیش مرموز» در صفحه ۶ شماره ۱۵۸۵ آن روزنامه به تاریخ ۹۷/۱۰/۱۱، موارد زیر برای تنویر افکار عمومی ارایه می‌شود.رئیس اداره اطلاع‌رسانی و روابط عمومی آموزش و پرورش استان همدان پس از انتشار این خبر جوابیه‌ای به روزنامه فرستاد. در این جوابیه آمده است:

۱- پس از اتفاق ناگوار مرگ این دانش‌آموز که تأثر و تألم مسئولان آموزش و پرورش و فرهنگیان و دانش‌آموزان منطقه را در پی داشت، بلافاصله مدیر کل محترم آموزش و پرورش استان ضمن حضور در منزل ایشان و دلجویی از اولیای دانش‌آموز، دستورات لازم را جهت بررسی دقیق و پیگیری‌های لازم صادر فرمودند که این پیگیری‌ها تا امروز ادامه داشته است.

۲- در مطلب روزنامه از یکسو عنوان شده که موضوع باید به موقع به اولیا اطلاع داده می‌شد تا دانش‌آموز را به بیمارستان ببرند و از سوی دیگر آمده است که «این دختربچه در حالی که ذوق شروع نمایندگی در کلاس درسشان را داشت، خوابید. فردایش که روز تعطیل بود، رژینا همچنان بی‌رمق بود تا این که همان شب وقتی خوابید، دیگر هرگز بیدار نشد.»

پدر دانش‌آموز نیز گفته است که «رژینا بدحال بود. عرق می‌کرد و انگار ضعف داشت. در نهایت هم زود رفت خوابید. فردایش که روز اربعین بود، رژینا تعطیل بود و به مدرسه نرفت. وقتی دوباره خوابید، صبح فردایش وقتی می‌خواستم او را بیدار کنم که به مدرسه برود، هرچه صدایش کردم، جواب نداد. او را به بیمارستان بردیم و پزشکان گفتند که او ۵ ساعت است که جان باخته است.»

حال سوال اینجاست که چرا دختربچه را در حالی که ضعف داشته است، همان روز تعطیل که در خانه بوده، به بیمارستان نبرده‌اند؟ سوالی که از طرف خبرنگار روزنامه مطرح نشده است.

۳- قابل تأمل‌تر این که در ادامه مطلب از زبان پدر دانش‌آموز آورده شده که «دخترم سالم و سرحال بود. آن دوشب به دلیل مبصر شدنش خیلی ذوق داشت. با خوشحالی خوابید. چطور می‌شود ناگهان در خواب بمیرد.»

این سخن با مطالب قبلی که تأکید می‌کند رژینا بدحال بود، عرق می‌کرد و انگار ضعف داشت، تناقض دارد و برای مخاطب مشخص نیست که بالاخره دانش‌آموز بدحال بوده یا مشکلی نداشته است.

۴- در بخش دیگری از مطلب منتشر شده، آمده است که «پزشکان در معاینات اولیه گفتند که یک سم داخل خونش بوده و به همین دلیل جان باخته است.» و در ادامه تأکید شده که «فعلا منتظر نظریه پزشکی قانونی هستیم که متوجه شویم دختر با نیش چه حشره‌ای جان باخته است. احتمالا نیش عقرب یا زنبور باشد.»

این اظهارات در حالی منتشر شده که پزشکی قانونی از زمان فوت دانش‌آموز در نهم آبان‌ماه سال جاری تاکنون دلیل اصلی مرگ را اعلام ننموده و لذا نمی‌توان براساس احتمالات و صرف این که پزشکان در معاینات اولیه وجود سم در خون را دلیل جان باختن دانش‌آموز بدانند، قضاوت قطعی کرد.

۵- همچنین در مطلب مذکور از زبان پدر دانش‌آموز آمده است که «احتمالا روی گزیدگی را هم فشار داده‌اند که همین مسأله باعث شده سم به داخل خون دخترم برود. اگر زودتر گفته بودند، ما دخترم را به بیمارستان می‌بردیم. شاید می‌توانستیم جلوی مرگ او را بگیریم، اما آنها با سهل‌انگاری این مسأله را پنهان کردند و باعث مرگ دخترم شدند.»

کاملا مشخص است که اینها همه از روی حدس، گمان و احتمالات است.

۶- ولی دانش‌آموز به صراحت مدیر مدرسه را مقصر دانسته و گفته که «هرچه هست، مدیر مدرسه مقصر است و باید مجازات شود.»

شکایت اولیای این دانش‌آموز حق مسلم آنهاست که انجام شده است، اما کاش در گزارش مذکور صحبت‌های مدیر مدرسه نیز می‌آمد یا حداقل با توجه به اظهارات پدر دانش‌آموز، عنوان می‌شد که نظر قطعی را دادگاه می‌دهد. در حالی که مطالب به گونه‌ای تنظیم شده که به مخاطب القامی کند که همه چیز متوجه مدیر مدرسه است.

۷- بدون تردید آن چه اهمیت دارد، رأی و تصمیم مراجع رسمی و ذیصلاح از جمله پزشکی قانونی و دادسرای منطقه است که تاکنون هیچ گونه نظر قطعی داده نشده است.

۸- در پایان ضمن تسلیت مجدد این اتفاق ناگوار به خانواده داغدار این دانش‌آموز و ابراز همدردی با ایشان، تأکید می‌گردد آموزش و پرورش استان موضوع را تا حصول نتیجه نهایی، پیگیری خواهد کرد.

پاسخ «شهروند»

۲ ماه از ماجرای تلخ مرگ رژینا ۱۰ ساله می‌گذرد. دختری که به‌طور مرموزی جان باخت. براساس نظریه اولیه پزشکان علت مرگ این دختربچه وارد شدن سم به خونش اعلام شد. مرگی که تا دو روز برای خانواده رژینا مبهم و معمایی بود. تا جایی که خانواده‌اش از پزشکی قانونی می‌خواهند جسد دخترشان کالبد شکافی شود، اما زمانی کار به شکایت کشید که به گفته پدر دختر بچه ۱۰ ساله، همکلاسی‌های رژینا پس از خاکسپاری، به خانه وی رفتند و جریان گزیدگی رژینا را با یک حشره شرح دادند. آنها ادعا کردند که رژینا همان روز در مدرسه به دلیل گزیدگی نیش یک حشره از حال رفته بود و مدیر مدرسه با استفاده از الکل وضد عفونی کردن جای گزیدگی و مالش سطح آن، سعی کرده این مشکل را حل کند و با دادن کارت سفیر سلامت از او می‌خواهد تا جریان این گزیدگی را به خانواده‌اش نگوید. اینها را پدر رژینا در گفت‌وگو با «شهروند» اعلام و ادعا کرد فیلم حضور دانش‌آموزان در خانه‌اش موجود است که حتی این فیلم را برای روزنامه ارسال کرد. روزنامه شهروند برای شفاف‌سازی به سراغ خانواده این دختربچه و مسئولان مدرسه رفت، اما تنها پدر رژینا پاسخگو بود. مسئولان مدرسه جوابگوی تلفن نبودند که نظر آنها را هم بدانیم. پدر رژینا در گفت‌وگو با ما ادعا کرد که دختر بچه‌اش کمی بی‌رمق بوده، اما این حالت برای هر بچه‌ای به‌وجود می‌آید، اما اگر خبر از گزیدگی داشتیم او را زودتر به بیمارستان می‌رساندیم نه این که توجهی نکنیم و تصور کنیم یک سرماخوردگی ساده است. باید از واکنش آموزش‌وپرورش همدان تشکر کرد و امیدوار بود پیگیر ماجرا باشند.

استان

رئیس امور HSE شرکت گاز استان گلستان از تعبیه مخازن تفکیک زباله در این شرکت خبر داد

محمدعلی شربتدار:شهروند:گلستان| به گزارش روابط عمومی ، مهندس منوچهریان در مصاحبه با پایگاه اطلاع رسانی گاز گلستان در این خصوص گفت:با همکاری امور بهداشت، ایمنی، محیط زیست و پدافند غیر عامل و امور مالی و پشتیبانی باکس های تفکیک پسماند در پنج بخش کاغذ، شیشه، بطری های پلاستیکی و نایلون، پسماندهای خطرناک و ویژه و قوطی های فلزی در ساختمان مرکزی گاز گلستان قرار گرفت. وی افزود: تفکیک زباله از مبدا به منظور جدا سازی مواد از یکدیگر با هدف جلوگیری از آلودگی بیشتر برنامه ریزی شده تا مواد قابل بازیافت مجددا به چرخه طبیعت برگردند. منوچهریان تصریح کرد : تفکیک و جداسازی زباله و بازیافت آنها فواید سودمند و ارزشمندی برای محیط زیست بهمراه دارد ،بطوریکه با تفکیک زباله ها می توان از زباله های قابل بازیافت برای تولید محصولات جدید وجایگزین منابع طبیعی استفاده نموده و در مصرف منابع طبیعی صرفه جویی کرد.

وی در ادامه دیگر فواید تفکیک و بازیافت زباله را صرفه جویی در مصرف انرژی بیان نمود وافزود: این نکته صحیح است که برای بازیافت مواد زائد احتیاج به انرژی از اهمیت خاصی برخورداراست ؛ ولی مقدار انرژی که برای بازیافت زباله های تفکیک شده بکار می رود کمتر از این مقدار می باشد ؛ضمن اینکه انرژی مصرفی در زمان تولید محصولات جدید با مواد خام ، خیلی بیشتر از مقدار انرژی است که همان محصولات از مواد بازیافتی تولید می شوند.

رئیس امور HSE شرکت گازاستان گلستان در خاتمه از همکاران گرامی که در زمینه جمع آوری و تفکیک زباله های شرکت در ارتباط هستند،خواهشمندیم در این رابطه همکاری و توجه جدی داشته باشند تا بتوانیم با اجرای مناسب آن در خصوص حفظ و صیانت از محیط زیست کوشا و سهیم باشیم.

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به آقای / خانم بهنام و بهرام و پریوش شهبازی فرزندان عبداله

خواهان آقای حمداله شهبازی دادخواستی به طرفیت خواندگان شافعه شهبازی – بهنام شهبازی – سیما شهبازی – پریوش شهبازی لاهرود- بیت اله شهبازی – محبوب شهبازی لاهرود – داود شهبازی – علیرضا شهبازی – فاطمه شهبازی – بهرام شهبازی بخواسته افراز و تقسیم زمین مشهور به میدانلار مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۷۰۹۹۸۴۵۵۷۲۰۰۰۰۴ شعبه اول دادگاه عمومی بخش لاهرود ثبت و به وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۱ ساعت ۱۰:۳۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی به علت مجهول المکان بودن خواندگان بهنام و بهرام و پریوش شهبازی و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیر الانتشار آگهی می گردد تا خواندگان ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.

مدیر دفتر دادگاه بخش شعبه اول دادگاه عمومی بخش لاهرود – علی مولائی علی آبادی

آگهی حصر وراثت

شماره :۹۷-۱۰۳

آقای حسنعلی رحیمی دارای شناسنامه بشماره ۳۱ به شرح پرونده کلاسه ۹۷-۱۰۳ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان نوراله رحیمی به شماره شناسنامه ۱۰۲۵ در تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۰۱ در مشگین شهر اقامت گاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصر است به :

۱-رضا رحیمی فرزند : نوراله به شماره شناسنامه ۱۶۶۰۵۷۹۱۹۸ پسر متوفی

۲- ابراهیم رحیمی فرزند : نوراله به شماره شناسنامه ۱۸۲۲ پسر متوفی

۳- حسینعلی رحیمی فرزند : نوراله به شماره شناسنامه ۱۹۰۰ پسر متوفی

۴- حسنعلی رحیمی فرزند : نوراله به شماره شناسنامه ۳۱ پسر متوفی

۵- کبری رحیمی فرزند : نورالله به شماره شناسنامه ۹۵۷ دختر متوفی

۶- رقیه رحیمی فرزند : نورالله به شماره شناسنامه ۱۶۶۰۱۰۴۳۶۱ دختر متوفی

۷- نازلی رحیمی فرزند : نوراله به شماره شناسنامه ۷۲۱۳ دختر متوفی

۸- مینا رحیمی فرزند : نوراله به شماره شناسنامه ۱۶۶۰۳۰۸۸۲۸ دختر متوفی

۹- سیمین عذار شیرمحمدی عوری فرزند : احمد به شماره شناسنامه ۸۱۲ همسر متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید هر کس اعتراض دارد و یا وصیت نامه ای از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر و هر وصیت نامه جز سری و رسمی که بعد از موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلااثر خواهد بود.

قاضی شعبه پنجم شورای حل اختلاف مشکین شهر
جعفر رحیم نیا

آگهی حصر وراثت

شماره :۹۷-۱۰۲

خانم فهیمه اکبرزاده دارای شناسنامه بشماره ۱۲۶۱ به شرح پرونده کلاسه ۹۷-۱۰۲ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان کریم اله اکبرزاده قره درویشلو به شماره شناسنامه ۹ در تاریخ ۱۳۹۷/۰۹/۳۰ در مشگین شهر اقامت گاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصر است به :

۱- هوشنگ اکبرزاده فرزند : کریم به شماره شناسنامه ۶ پسر متوفی

۲- سمیه اکبرزاده فرزند : کریم اله به شماره شناسنامه ۷ دختر متوفی

۳- فهیمه اکبرزاده فرزند : کریم به شماره شناسنامه ۱۲۶۱ دختر متوفی

۴- سکینه اکبرزاده فرزند : کریم به شماره شناسنامه ۱ دختر متوفی

۵- افسانه اکبرزاده فرزند : کریم به شماره شناسنامه ۸۷ دختر متوفی

۶- بنفشه بابائی فرزند : علیقلی به شماره شناسنامه ۵۸۵ همسر متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید هر کس اعتراض دارد و یا وصیت نامه ای از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر و هر وصیت نامه جز سری و رسمی که بعد از موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلااثر خواهد بود.

قاضی شعبه پنجم شورای حل اختلاف مشکین شهر
جعفر رحیم نیا